

یحیی ذکا

یکدیگر گذرانیده، دست‌ها را بر روی شانه‌های همدیگر می‌بندند، بسیار ارزنده است و چگونگی آن در پیکره شماره ۳۳ جدول نشان داده شده است.

رقص با «سماچه» از تپه یحیی

از نیمه دوم هزاره دوم تا هزاره سوم پیش از میلاد، مهرسنگی استوانه‌ای کوچکی در دست است که از «سماچه» در کرمان پیدا شده و بر روی آن پیکره دو آذر یا پاره‌های بشکل پرند و پرهایی که مانند بال بر بازوانشان بسته بوده نشان داده شده است (پیکره شماره ۳۴). آنچه در این مهر شایان بررسی است، بکار بردن «سماچه» (ماسک) بشکل سر پرندگان است که رقصندگان با نهادن آنها بر سر و روی و بستن پره‌های بلند به بازوانشان می‌خواستند خود را بشکل پرند درآورده، و رقصی با حرکت پرندگانه انجام دهند (پیکره شماره ۳۵).

نمونه دیگر از رقص با سماچه از تخت جمشید

خوشبختانه این مهر تنها نمونه از رقص با «سماچه» (ماسک) نیست و تکه سفال کوچکی که با دست هر تفسا در تخت جمشید پیدا شده، و تاریخ آنرا شاید بتوان نیمه یکم هزاره دوم پیش از میلاد دانست، نمونه دیگری از رقص با «سماچه» را نشان می‌دهد.

بر روی این سفال دو تکه، که پیداست تکه‌های شکسته‌ای از یک ظرف سفالین بزرگی است، نگاره دو تن در حال انجام

۳ - سماچه یا سماچه که در زبان تازی بگونه «سماچه و سماچان» درآمد است و معنی ماسک‌های زشت و ترسناک از آن نهمه می‌باشد. یعنی قاب بنداری است که هم زنان در زمانهای پیش آنرا بر روی پستانهای خود می‌بستند و هم صورتک چشم و آبرو داری خود را در نمایشها از آن سود می‌جستند و ما برای نخستین بار آنرا یعنی «سماچه» (ماسک) در این گنار بکار می‌بریم.

هروردم - شماره ۱۸۹ و ۱۹۰

رقص تکی بر روی لوحه سنگی از شوش

و از این رده است نگاره برجسته يك لوحه سنگی مربع سوراخ‌داری که از شوش بدست آمده و در موزه لس‌آنجلس نگهداری می‌شود.

دو نگاره در بالا و پایین این تخته سنگ‌کنده شده، و نگاره بالایی، مجلس زمی است که دو فرمانروا در سوی راست و چپ بر روی چهارپایه‌هایی نشسته‌اند و دو رفاقه در پیش آنان برقص و دلبری می‌نمایند، فرمانروای سمت راست گویی برای سلامتی و تحسین رفاقه‌یی که در برابرش می‌رقصد، جام خود را بلند کرده و آماده نوشیدن است و فرمانروای سمت چپ که از باده سرمست گشته، دست در کمر رفاقه انداخته او را باغوش خود کشیده است و میگسار بزم نیز زانو زده جام باده را بدست رفاقه می‌دهد تا به فرمانروا تقدیم بنماید.

نگاره این لوحه سنگی تراشیده شده با آنکه بعلت ریختگی، اندکی ناروشن است، لیک در هر حال همبستگی رقصهای «تکی» را با بزیمهای فرمانروایان و زورمندان نیک نشان می‌دهد و جدایی میان رقصهای شهوانی و تفریحی را با رقصهای دسته‌بند مقدس و مذهبی، روشن می‌سازد.

رقص دسته‌بند «کاسوها» از هزاره سوم

از «کاسوها» یا «کاسیها» که در هزاره سوم پیش از میلاد در شمال ایلام در پیرامون کرمانشاهان و دره‌های کوههای زاگرس (پیشکوه و پشتکوه) زندگی می‌کرده‌اند، تکه سفالی بدست آمده که بر روی آن نگاره سه رقصنده در نزدیکی چادرها یا کلبه‌های نی‌شان نشان داده شده است (پیکره شماره ۳۲).

این تکه سفال از دیدنه نمایش گونه دیگری از رقص که در آن رقصندگان هر کدام بازوان خود را از پشت گردن

رقص دسته‌بند، نگاشته شده که با گرفتن دستهای یکدیگر، شاخه‌هایی را که دارای برگهای متقارن است (همچون شاخه درخت عرعر یا برگ خرما) بحالت صودی در میان دستهای خود نگاشته‌اند (پیکره شماره ۳۶). گذشته از آن، با زرف‌نگری

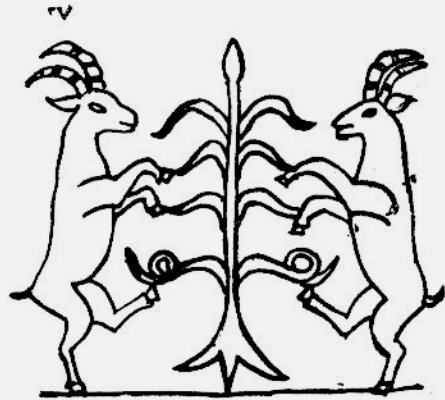
نیز در پهلوی آنان دیده می‌شود که رابطه رقص با موضوع آن بیان کرده شود و انگیزه و چگونگی اینگونه رقص نیک آشکار کرده بیگمان دور رقص یاد شده در بالا نیز از اینگونه بوده و رقصندگان از حرکات پرندگان و زحای کوهی در رقص تقلید می‌کردند.

رقص سه‌نفری از تل تیموران

سال ۱۳۳۲ ه. ش. در استان فارس، هنگام گمانه‌زنیها، از «تل تیموران» ظرفهای گلی نقش و نگاردار از سالهای ۱۴۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد پیدا شد که از میان آنها، نگاره دو نفر سفالین شکسته، از دیده زمینه این گفتار، شایسته بررسی است.

در دور دهانه و تنه خمره گلی که با خطهای متوازی و نگاره‌های دیگر آرایش یافته است، در لای خطها، حاجبا، مجالسی از یک‌گونه رقص سه‌نفری نگاشته شده که از دیده چگونگی قرار گرفتن دستها و بازوان درست مانند رقص «کاسوه‌هاست (بیکره شماره ۳۹).

برتری که نگاره این سفالینه بر نگاره‌های دیگر دارد، در اینست که در اینجا برخلاف رقصهای دستبند دیگر - که در تشکیل حلقه یا رده‌های آنها، گروه فراوانی هنجاری می‌داشته‌اند - تنها سه تن بازو در بازو افکنده در یک‌رده سه‌تایی برقص و پایکوبی برخاسته‌اند و این گذشته از اینکه از خود نگاره بییادست، از چگونگی دست و بازوی دو تن رقصنده که در این سر و آستر رده رقص قرار دارند، روشن می‌شود، زیرا شکستن بازوها از آرنج و بالا نگاه داشتن دستها در دوسو، نشانه تکمیل رده رقص می‌باشد.

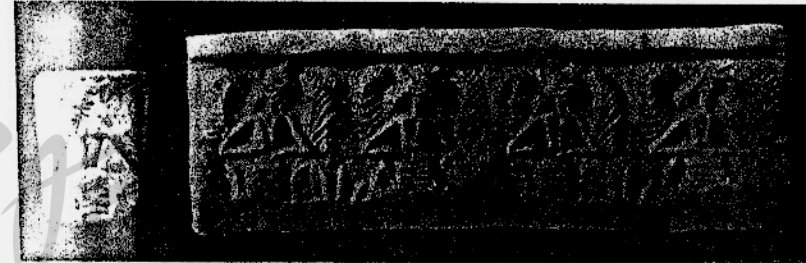
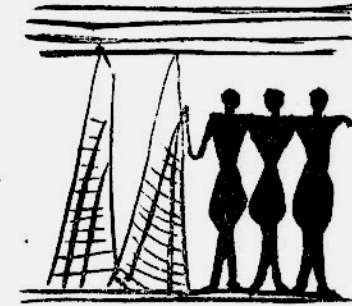
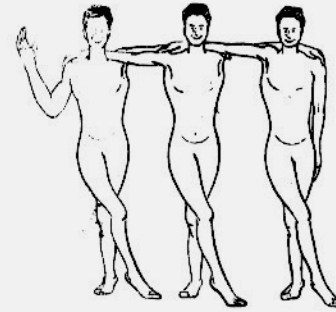


در بیکره‌های این سفالینه، دیده می‌شود که رقصندگان «ساجه»هایی به رووسر خود نهاده‌اند که گمان می‌رود کله بز کوهی (بازن) را باشانها و گوشهایشان نشان می‌دهد. رقص با «ساجه» بز کوهی و در دست گرفتن شاخه‌های سبز درختی که دارای شاخه‌های متقارن است، ما را یاد یک موضوع مذهبی و اساطیری از این‌دور گاران می‌اندازد که بارها و بارها بر روی ظرفها و آثار دیگر نگاشته شده است، و آن نگاره دو بز کوهی (نماد خدای کوهستانها) بحال نیم‌خیز در دوسوی «درخت زندگی» است که دارای شاخه‌های متقارن است و این نگاره یکی از موضوعهای بسیار متداول آن زمانهاست و یک عقیده مذهبی و همگانی مردم آسیای غربی را نشان می‌دهد.

از نگاره این تکه سفال چنین می‌توان پنداشت که اجرا کنندگان این رقص دستبند مذهبی در مرودشت تخت‌جمشید، هنگام بهار و سرسبزی درختان و گیاهان می‌خواستند همان داستان بز کوهی و درخت زندگی را تجسم بخشیده و جشن و شادمانی خود را با این رقص مذهبی رونق دهند.

بهرمان موضوع رقص، نگاشته شده بر روی این تکه سفال هر چه باشد، از دیده نشان دادن پیشینه کاربرد «ساجه» (ماسک) در ایراتزمین و در رقصهای مذهبی و جشنهای قبیله‌ای بسیار پرارزش و شایان دقت است.

برای باریک‌بینی در شناخت این گونه رقصها و دریافت همستگی آنها با حرکتهای پرندگان و جانسوران، نگاره سفالینه‌یی را از «هاریابا» در اینجا می‌آوریم (بیکره شماره ۳۸) که در آن نیز رقصندگان ساجه گوزن شاخباری را بر روی چهره و سرخود نهاده‌اند و بیکره گوزن بزرگی

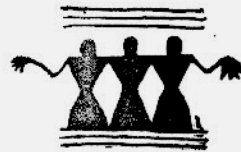
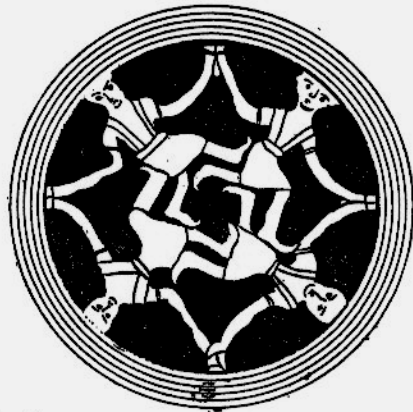
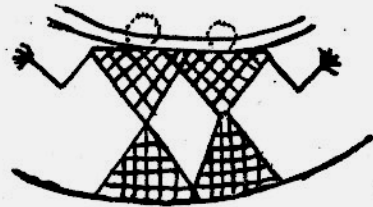


می‌پنداشتند که خدایانشان نیز در آسمان یا در زیر زمین ، برقص برمی‌خیزند.

برخی از مردمان روزگار باستان، چنین باور داشتند که اصولاً رقصیدن از کارهای خدایان است و این آدمی است که به تقلید از آنان، در روی زمین، جنبش‌ها و جست و خیزهای آنان را تکرار می‌کند و این پندار را سر پرچم یا سنجاق مفرغی دیگری از لرستان که زمانی به سده هفتم پیش‌از میلاد می‌رسد، و در مجموعه ج . ل . وینتروپ نگاهداری می‌شود، برای‌هم‌ابازگویی می‌کند (پیکره شماره ۴۳).

در این سر پرچم مفرغی مشبك، تندیس سه خدایا رب‌النوع شاخدار نشان داده شده که خدای میانه که با نگاهش از دوتای دیگر والا ترست با بر روی قرص خورشید و دوتای دیگر پای پشت دوشیر غران نهاده، دست در دست هم مشغول رقصنده توگویی، بکاربردگان این سر پرچم، از این راه خواسته‌اند چرخش و گردش خورشید را در آسمان از **خداگان مظلومان** (از شرق به غرب) همچون رقصی موزون و سنجیده بیان کرده، نمایش بدهند، بهرسان این سر پرچم نیز از دیدگاه نمایش جنبه‌های خدایی و مذهبی رقص، در میان مردم ایران زمین، شایان توجه و بررسی بیشتر است.

اینست نمونه‌هایی از رقص در ایران پیش‌از تاریخ که نویسنده با بررسی‌های فراوان از روی آثار گوناگونی که در این سرزمین پهناور بدست آمده است، گرد آورده و درباره آنها به پژوهش پرداخته است، لیک از این تاریخ تا دوره شاهنشاهی مادها و هخامنشیان، با اینکه بی‌گمانیم رقص در میان مردم ایران رواج داشته است، افسوس، نمونه و اثری که روشنگر این داستان باشد، بدست نیامده یا نویسنده آنرا ندیده است و باین همه این نمونه‌های اندك، از دیدن روشن ساختن پیشینه و چگونگی رقص در ایران، بسیار گرانها و پراچ است و امید هست که در کاوشهای آینده، نمونه‌ها و نگاره‌ها و تندیس‌هایی بدست آید که بررسی این رشته از هنر ایران را بر پژوهندگان و خواستاران این زمینه‌ها آسان گرداند و تاریخ آنرا روشن‌تر و کاملتر سازد.



مفرغ مشبکی بدست آمده که اینك در مجموعه شماره ۴۳ زاره درموزه لوور نگاهداری می‌شود. در این نگاهداری این سر پرچم، رقص دست بدست چهارتن با شومس و شادمانه و زیبا و ترکیبی نو، نشان داده شده است. باز در یاد همان سر پرچم که جای گذاراندن چوب یا ماله بر پرچم در دست راست دوا دمی در حال رقص دست بدست نمایش داده شده است (پیکره شماره ۴۱ و ۴۲).

خوشبختانه در این نمونه مفرغی، حرکت، باها و دستها را در حال رقص، بخوبی می‌توان دریافت و به دست آید که هر يك از رقصندگان، یکی از باهای خود را از زمین بلند کرده پس از خم کردن در پشت سر، سپس در جای دیگر زمین می‌نهد و همین کار را با پای دیگر انجام می‌دهد تا در نهایت، خلاقه رقص بدور خود چرخیده و جای رقصندگان عوض می‌شده است.

این سر پرچم از دیده نمایش اینگونه رقص و از دیدن دیگر، یکی از مدارك بسیار پر ارزش درباره رقص در ایران زمین است و ما از آن درمی‌یابیم، که در میان مردمان روزگار باستان، رقص تا چه اندازه ارج و بها داشته است که آنرا همچون نشانه‌ی بزرگ در سر سرچم‌های خود نمایش می‌نهادند.

رقص خدایان در آسمان

مردم روزگاران پیش از تاریخ - همان سان که خدایانشان در روی زمین به پایگویی و دست‌افشایی برمی‌خاستند چنان

رقصی دیگر از قل تیموران همانند و همزمان نگاره این ظرف است، نگاره ظرف دیگری از همانجا، که در دوجا در لبه بیرونی آن، پیکره رقص دوتای باهمین شیوه نگاشته شده، لیک در این یکی، چون سر رقصندگان با خطهای متوازی دور ظرف تلافی کرده، نگارگر از نگاشتن سرها خودداری کرده یا ساده کردن آن، جنبه آرایشی مطلق به نگاره داده است آنچنانکه اگر دستها نگاشته شده بود در نخستین نگاه نمی‌توانستیم دریابیم که آن سه گوشه‌های شطرنجی پیکر آدمی را نشان می‌دهد (پیکره شماره ۴۰).

از بررسی نگاره‌های این دو ظرف از «قل تیموران» فارس، چنین بدست می‌آید که گذشته از رقصهای «دسته‌بند» و «تکی» که پیش‌از این یاد آنها کردیم، گونه‌های دیگری از رقص در ایران زمین بوده است که در آن رقصندگان دوتای سه‌بند، بازو در بازو یا دست در دست هم انداخته، به پایگویی برمی‌خاسته‌اند، و نیز بگواهی نگاره‌های این سفالینه‌ها، شماره رده‌های سه‌تایی و دوتایی در یک مجلس رقص، بیش از یکی دوتا بوده است و در این رقصها اگرچه از نگاره‌ها چیزی فهمیده نمی‌شود - شاید در هر رده سه‌تایی، یک مرد و دوزن یا دومرد و یک زن، و در رقصهای دوتایی، یک مرد و یک زن یا دو مرد یا دو زن باهم می‌رقصیده‌اند.

نمایش رقص در سرپرچم

در لرستان از هزاره یکم پیش از میلاد، سر پرچم